

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علوم انسانی در حکم مجموعه قواعد تنظیم حیات انسان در بخش نرم‌افزاری فرهنگ و تمدن بشری، علوم و معارفی است که به صورت روش‌مند از رفتارها، باورها، نگرش‌ها، احساسات و همه پدیده‌های انسانی معنادار بحث می‌کند و از مصادیق یقینی آن فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی، علوم اقتصادی، علوم سیاسی، مدیریت و حقوق است.

تحول در حوزه‌های علمی، به‌ویژه در علوم انسانی از فرازهای مورد تأکید حضرت امام خمینی (ره) و مطالبات جدی رهبر معظم انقلاب (مدظله) به‌ویژه در سال‌های اخیر است. اهمیت این تحول، ریشه در مطالعات علوم انسانی و نیازهای مترتب بر آن، به‌ویژه رشد و توسعه شتابان دانش و فرهنگ در عرصه جهانی دارد؛ زیرا در آن، از یک‌سو انسان، به عنوان اشرف مخلوقات و از دیگر سو روابط او با دیگران در عرصه بشری مطرح است و از این جهت این علوم بر علوم دیگر تقدم دارد. به‌واقع، رسالت مهم و اساسی این علم، ساختن انسان، پرورش شخصیت و توجه به شأن وجودی او و یک نگاه، رساندن او به سرمنزل مقصود و هدایت به سوی مرتبه انسان کامل است.

ایران اسلامی از بنیان‌های تمدنی غنی و توانمندی‌های فراوانی در درون و برون محیط‌های دانشگاهی و حوزه‌های علمیه برخوردار است و از این جهت، بستری مهیا برای ورود به عرصه‌های علمی و تولید دانش بومی در حوزه‌های علوم انسانی فراهم است. به پشتوانه چنین میراث گرانبغایی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با حمایت مالی معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که رسالت و تکلیف اصلی آن تلاش برای تعمیق و گسترش علوم، معارف و ارزش‌های انسانی اسلامی و تطابق هرچه بیشتر رشته‌ها و درس‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه و کاربردی کردن آنها و تحول در ارتقای علوم انسانی با تقویت جایگاه و منزلت این علم است، زمینه‌های چاپ این اثر را فراهم آورده است. از استادان، فرهیختگان و صاحب‌نظران ارجمند می‌خواهیم تا با همکاری و راهنمایی‌های ارزشمند خود این معاونت را در جهت نقد کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پیشگفتار

قرآن کریم قابل اعتمادترین منبع و حیانی است که انسان‌ها را به استوارترین روش زندگی هدایت می‌کند¹ و آنان را که در پی خشنودی خداوند باشند، به راه‌های بی‌گزند هدایت کرده، از تاریکی‌ها نجات داده و به

1. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (اسراء، 9).

جهانی سراسر نورانیت وارد می‌سازد.¹

معارف و علوم این کتاب گران سنگ از جهت ظهور و خفای دلالت آیات و آسانی و دشواری فهم آنها از الفاظ و عبارات، سطح‌ها و مرتبه‌های گوناگونی دارد. فهم مرتبه‌ای از آن برای عموم آسان است² و فهم کامل معارف، علوم و احکام آن، ویژه پیامبر اکرم (ص) و اوصیای گرانقدر ایشان است.³ مرتبه‌ای از معانی و معارف آن برای غیر پیامبر و امامان معصوم (ع) نیز قابل فهم و دستیابی است، ولی به تدبیر و تفسیر و تلاش علمی مناسب نیاز دارد و همین نیاز، موجب پیدایش هزاران تفسیر با مکتب‌ها و روش‌های تفسیری مختلف شده است. پوشیده نیست که برای فهم این بخش از معارف قرآن کریم، علوم و آگاهی‌هایی نیاز است که بدون آنها نمی‌توان به فهم صحیح این مرتبه از معارف قرآن دست یافت.

از جمله دانش‌هایی که بی‌تردید در فهم صحیح این بخش از معارف قرآن کریم می‌تواند مؤثر باشد، آشنایی با قوت‌ها و ضعف‌های مکاتب تفسیری و نظریه‌هایی است که تاکنون درباره چگونگی تفسیر کردن قرآن پدید آمده است؛ همچنین شناخت ویژگی‌های کتاب‌های تفسیری متناسب با آن مکاتب که با روش‌های مختلف به تفسیر آیات پرداخته‌اند نیز در بهره‌گیری صحیح از آن کتاب‌ها و درس‌آموزی از تجربه‌ها و خطاهای مفسران پیشین بسیار سودمند است.

برای تأمین این آگاهی مفید و ضروری پیش‌تر سه جلد کتاب مکاتب تفسیری تألیف شد و به لطف الهی توجه اندیشمندان را به خود جلب کرد و در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی از آن به عنوان منبع یا کتاب درسی استفاده شد، ولی چون آن کتاب‌ها، فاقد ویژگی‌های متن آموزشی بودند، از مؤلف خواسته شد تا آن کتاب‌ها را بازنگاری و به صورت متن آموزشی درآورد. در پاسخ این درخواست، با بازنگری محتوای مکاتب تفسیری و حذف و اضافات و تنقیح و ویرایش مطالب آن، کتاب حاضر و جلد دوم این کتاب با ویژگی‌های متن آموزشی برای مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شد و اکنون به جامعه علمی کشور تقدیم می‌شود. امید است این بضاعت مزجانه^۴ گامی مؤثر در پیشرفت دانش تفسیر و خدمتی به شیفتگان معارف قرآن و استادان و دانشجویان تفسیر باشد و مورد عنایت ولی عصر (عج) و مقبول حضرت حق واقع شود.

اشاره‌ای به محتوای کتاب

این کتاب، مشتمل بر هفت فصل است:

فصل اول: مباحث مقدماتی

در این فصل، پس از بیان معنای لغوی و اصطلاحی «مکاتب تفسیری»، «روش‌های تفسیری» شماری از مفاهیم اصطلاحی دیگر مانند: «مبانی تفسیری»، «مذاهب تفسیری»، «مناهج تفسیری»، «مدارس تفسیری»، «تجاهات تفسیری» و «لوان تفسیری» نیز تعریف و تفاوت آنها با «مکاتب تفسیری» روشن می‌شود. یکی دیگر

1. «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ» (مانده، 16).

2. «وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّرٍ» (قمر، 17، 22، 32 و 40).

3. از امام باقر روایت شده است که فرمود: «ما يستطيع أحد ان يدعي ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الأوصياء؛ هیچ کس جز اوصیا نمی‌تواند ادعا کند همه قرآن، ظاهر و باطن آن، نزد اوست» (کلینی، اصول الکافی، ج 1، ص 286، کتاب الحج، باب انه لم يجمع القرآن كله الا الائمه، حدیث 2).

از مباحث این فصل، تقسیم مفسران به دو دسته: «مفسران برگزیده خدا، آگاه به همه معانی قرآن و مصون از خطا» و «مفسران خطاپذیر و آگاه به بعضی از معانی قرآن»، و بیان دلایلی بر جایگاه ویژه اهل بیت پیامبر(ص) در میان مفسران است. دسته‌بندی کتاب‌های تفسیری موجود و مکاتب تفسیری متناسب با آن کتاب‌ها از دیگر مباحث این فصل است.

فصل دوم: مکتب و روش تفسیری در روایات نقل‌شده از معصومان

در این فصل، ویژگی‌هایی برای مکتب و روش تفسیری صحیح از روایات نقل‌شده از معصومان استنباط و بیان می‌شود. با توجه به جایگاه ویژه معصومان در تفسیر قرآن، ویژگی‌های به‌دست‌آمده از روایات آنان می‌تواند معیار و شاخصی برای شناسایی مکتب و روش تفسیری صحیح و کامل باشد. هرچند نظریه جامع و صریحی درباره اینکه قرآن را چگونه باید تفسیر کرد، از رسول خدا و امامان معصوم نقل نشده، اما در میان روایات نقل‌شده از ایشان، رهنمودهایی کلی برای تفسیر بیان شده است که از آن رهنمودها می‌توان با برخی از ویژگی‌های مکتب و روش تفسیری صحیح و مورد تأیید ایشان آشنا شد. ویژگی‌های مکتب تفسیری به‌دست‌آمده از روایات عبارت‌اند از:

1. تدبّر در آیات محکم و استمداد از معصومان در تفسیر آیات متشابه؛
 2. تفسیر ظاهر آیات با روش عقلایی و عرفی؛
 3. نهی و نکوهش از تفسیر بدون علم و اطمینان؛
 4. لزوم احتراز از تفسیر به رأی؛
 5. اختصاص ندادن آیات به برخی مصادیق، حتی به شأن نزول؛
 6. تفسیر برخی خطاب‌های قرآن براساس مثل معروف «به در می‌گویند، تا دیوار بشنود».
- ویژگی‌های روش تفسیری به‌دست‌آمده از روایات عبارت‌اند از:
1. بیان معنا براساس مفاهیم عرفی کلمات؛
 2. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های ادبی کلام؛
 3. بیان معنا با توجه به سیاق؛
 4. بیان معنا با توجه به فضای صدور کلام؛
 5. بیان معنا با توجه به معلومات عقلی؛
 6. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های گوینده کلام؛
 7. بیان معنا با توجه به ویژگی‌های مخاطب؛
 8. بیان معنا با توجه به مشخصات موضوع کلام؛
 9. بیان معنا با توجه به دیگر کلام‌های گوینده؛
 10. استناد به تفسیر معلمان ویژه قرآن؛
 11. استناد به اجماع امت؛
 12. بیان معانی باطنی فراعرفی.

فصل سوم: ارزش تفسیر صحابه و تابعین و بررسی روش تفسیری آنان

در این فصل، پس از تعریف صحابه و تابعین و معرفی اجمالی برخی مفسران معروف صحابه و تابعین و بیان

ارزش تفسیر صحابه و تابعین، با استفاده از آثار تفسیری نقل‌شده از صحابه و تابعین روش تفسیری آنان شناسایی و بررسی می‌شود. ویژگی‌های روش تفسیری آنان عبارت‌اند از:

1. ذکر معنای کلمه بدون مستند؛
2. بهره‌گیری از اشعار عرب؛
3. استفاده از محاورات عرفی عرب؛
4. بیان مصداق؛
5. بیان سبب و فضای نزول؛
6. بیان شأن نزول؛
7. توجه به قراین عقلی؛
8. استفاده از خصوصیات موضوع آیات؛
9. بهره‌گیری از قرآن؛
10. تعلّم از مفسّران برگزیده خدا و بهره‌گیری از سنت؛
11. استناد به آرای صحابه؛
12. بیان معنای اشاری.

فصل چهارم: بررسی مکتب تفسیری روایی محض

در این فصل، مکتب تفسیری روایی محض تعریف و موافقان این مکتب معرفی شده و دلایل آنان نقد و ادله اعتبار تفسیرهای غیر روایی بیان می‌شود. چنان که عنوان این مکتب نشان می‌دهد، براساس این مکتب در تفسیر آیات باید به نقل روایت بسنده شده و از هر گونه اجتهاد پرهیز شود. در این فصل با بررسی دلایل موافقان این مکتب و بیان دلایلی بر اعتبار تفسیر غیر روایی ضمن تأکید بر لزوم رجوع به روایات در تفسیر، نادرستی این مکتب و روش آن نتیجه‌گیری می‌شود.

فصل پنجم: معرفی و بررسی تفسیرهای روایی محض

در این فصل، تفسیرهای روایی محض دسته‌بندی شده، تفاوت اساسی تفسیرهای روایی اهل تسنن و شیعه و کاستی‌های مشترک تفسیرهای روایی بیان گشته و شماری از تفسیرهای روایی محض اهل تسنن و شیعه معرفی و بررسی می‌شوند. از تفاسیر اهل تسنن کتاب التفسیر بخاری، تفسیر القرآن العظیم ابن‌ابی‌حاتم را سیوطی و از تفاسیر شیعه تفسیر العیاشی، تفسیر فرات الکوفی، البرهان فی تفسیر القرآن بحرانی و نور الثقلین حویزی معرفی و بررسی می‌شوند.

فصل ششم: معرفی و بررسی مکتب تفسیری باطنی محض

در این فصل، نخست مکتب یا نظریه تفسیری باطنی محض تعریف می‌شود و از طرفدار داشتن یا نداشتن این نظریه بحث شده و دلیلی که برای صحت آن ذکر کرده‌اند، بررسی می‌گردد. سپس ماهیت باطن قرآن با توجه به روایات، تعریف و معیار و شرایطی برای صحت تفسیر باطنی تبیین و براساس آن، اشکال برخی اهل تسنن بر تفسیرهای باطنی شیعه و انکار تأویل برخی آیات از سوی عالمان شیعه بررسی می‌شود.

فصل هفتم: معرفی و بررسی تفاسیر باطنی محض

در این فصل، نخست تفسیرهای باطنی محض تعریف و به جایگاه آنها در میان تفسیرها اشاره شده و سپس شماری از مهم‌ترین آنها معرفی و بررسی شده‌اند. تفسیرهایی که در این فصل، معرفی و ارزیابی می‌شوند، عبارت‌اند از: 1. حقائق التفسیر؛ 2. التفسیرالصوفی عندالصادق؛ 3. زیادات حقائق التفسیر؛ 4. عرائس البیان فی حقائق القرآن؛ 5. تفسیرالقرآن الکریم؛ 6. مرآة الانوار و مشکوة الاسرار.

شایسته است استادان محترم در تدریس این کتاب به چند نکته توجه فرمایند:

1. با توجه به اینکه این کتاب، مشتمل بر هفت فصل و به میزان دو واحد درسی است و هر فصلی مطالب دو درس را دربر دارد، استادان محترم مطالب را به گونه‌ای تنظیم کنند که هر فصل در دو جلسه (1/5 ساعته) تدریس شود و اگر تشخیص دادند مطالب یک فصل را نمی‌توان در دو جلسه تدریس کرد می‌توانند به فراخور حال دانشجویان و طلاب کلاس بخشی از مباحث فصل را که امکان تدریس آن در دو جلسه باشد انتخاب و بقیه را حذف یا به مطالعه آنان واگذار کنند؛

2. در پایان هر فصل، موضوعاتی برای تحقیق و منابعی برای مطالعه بیشتر ارائه شده است. استادان محترم می‌توانند آن موضوعات را به دانشجویان پیشنهاد دهند و برای تشویق بیشتر، امتیاز یا نمره‌ای برای آن در نظر گیرند و بهتر است این موضوعات به صورت کنفرانس ارائه شوند و برای ارائه آن نیز نمره‌ای در نظر گرفته شود؛

3. برای فهم عمیق‌تر مطالب کتاب و توسعه آگاهی نسبت به مباحث آن، به جلد اول و دوم کتاب مکاتب تفسیری مراجعه کنند؛

4. برای طرح سؤال امتحان از سؤالات پایانی هر فصل کمک گیرند.

در پایان از همه کسانی که در تهیه این کتاب مؤثر بوده‌اند، به‌ویژه از جناب حجت‌الاسلام حسن صادقی که در تلخیص مکاتب و تبدیل آن به متن آموزشی همکاری بسیار خوبی داشته‌اند، تقدیر و تشکر می‌شود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهربین

علی اکبر بابایی

قم - زمستان 1390